

نقشه راه

ابزار معلم موفق

گفتگو با بهرام تیموری

دکتر علی اکبر کمالی نهاد

عضو هیئت تحریریه مجله

است؛ دارای راهبرد و استراتژی است؛ برای تمام طول مسیر آموزشی خود نقشه راه دارد؛ فرصت تفکر و نقد برای دانش آموزانش ایجاد می‌کند و در نهایت هر روز چون خورشید از نو با درخششی تازه طلوع می‌کند.»

● ویژگی بایسته دبیر ادبیات چیست؟

●● در آموزش مهارت‌ها و دانش‌هایی که در دوره‌های تحصیلی برای دانش آموزان در نظر گرفته شده، هر درس و معلم آن درس، در جای خود دارای اهمیت و ارزش خاصی است؛ اما اهمیت ویژه درس زبان و ادبیات فارسی در این است که از یک طرف معلم ادبیات علاوه بر آموزش مهارت‌های زبانی، در شکوفایی خلاقیت‌های هنری، خردورزی، گسترش آفاق تخیل و احساس دانش آموزان حضور مؤثر دارد و از طرف دیگر چون خود را امانتدار فرهنگ و تمدن و هنر پیشینیان می‌داند، دغدغه آشنا کردن و علاقه‌مند کردن و جذب فرزندان این آب و خاک به فرهنگ ایرانی و اسلامی خود را هم دارد. اعتقاد بنده این است که بیشتر همکاران بزرگوار و دلسوزم در جای‌جای این سرزمین بزرگ، پیوسته در مطالعه، تفکر و پژوهش هستند و با بررسی و نقد متون ادبی، یادگیرندگان را با اندیشه‌های والای پیشینیان آشنا و به زیبایی‌های ادبی

به اهداف آموزشی مشخص شده است. در کشور ما هنوز نقش معلم به‌عنوان مجری مستقیم و هدایتگر برنامه‌های آموزشی از دیگر عوامل پررنگ‌تر و برجسته‌تر است و چشم‌داشت‌ها و توقعات هم طبیعتاً از او بیشتر. به اعتقاد بنده، موفقیت یا ناکامی معلم در اجرای برنامه‌های آموزشی در ارتباط با همه عناصر نظام آموزشی باید مورد ارزیابی قرار گیرد، نه به‌صورت مجزا. موفقیت شخصی معلم هنگامی ارزشمندتر خواهد بود که اهداف مورد نظر در یک برنامه آموزشی بتوانند تحقق یابند. حال بیاید بنا را بر این بگذاریم که هماهنگی و کارکرد عوامل و عناصر دیگر آموزشی در حد مطلوب باشد؛ آن‌وقت تعریف معلم موفق همانند سایر انسان‌های پیروز و کامیاب معنا پیدا می‌کند و می‌توان این ویژگی‌ها را که می‌گویم برایش برشمرد:

«به کارش عشق می‌ورزد؛ از کارش لذت می‌برد؛ اطمینان دارد که ثمرات کارش ماندگار و تأثیرگذار است؛ شادابی و نشاط را در روح دانش آموزانش می‌دمد؛ بیشتر می‌آموزد تا بتواند از اطلاعات، تجربیات و آموخته‌های دیگران به خوبی استفاده کند؛ روحیه کاوشگرانه‌ای دارد؛ انگیزه‌هایش متعالی است؛ برای هر درسی طرح و برنامه مخصوص دارد؛ از تمامی امکانات موجود، اعم از الکترونیکی، تصویری، صوتی و ... برای آموزش بهره می‌گیرد؛ موقعیت‌شناس

در ادامه رفتار و روال پیشینه مجله و سیر در الگوهای نیک و سرمشق‌های بایسته معلمی و معرفی چهره‌های بنام در آموزش، این بار مجله رشد زبان و ادب فارسی به ساحل زاینده‌رود گذری داشته و روایتگر بیش از ۳۰ سال تجربه و پویایی یکی از دبیران خوش‌نام و همکاران پرتلاش و دلسوز شهر اصفهان از زبان خودش شده است. خوانندگان محترم را دعوت می‌کنم تا لحظاتی را با آقای بهرام تیموری همراه شوند و حاصل سال‌ها مشق عشق و تدریس دلسوزانه زبان و ادبیات فارسی را از بیان گرم سرگروه درس زبان و ادبیات فارسی این استان بشنوند:

● معلم موفق را چگونه تعریف می‌کنید؟

●● این سؤال بیشتر مناسب عنوان یک کتاب و مقاله تحقیقی - تربیتی است و پاسخ بنده براساس تجربه‌های شخصی و اطلاعات محدود خودم است.

در نظام آموزشی هر کشور جایگاه عوامل و عناصر آموزشی و نقش آن‌ها در رسیدن



دیگران هم چنین کنند؛ چو کرد باید کار.

● از خاطرات به یادماندنی دوران معلمی و تدریس خود نمونه‌ای را ذکر کنید.

●● سال‌ها پیش یک روز صبح، پرنشاط
و بانرژی وارد کلاس درس شدم. بچه‌های

بچه‌های شیطان کلاس،
به جای صندلی معلم،
یک نردبان چوبی
دو طرفه‌ای را که
نقاش‌های ساختمان از
آن استفاده می‌کنند،
جایگزین صندلی‌ام کرده
بودند و منتظر واکنش
من بودند

عکس، با شرح مفصل آن، در فضای مجازی
به کشورهای اروپا و آمریکا و کانادا رفت
نزد آن بچه‌های بازیگوش ماند و خاطره‌ای
ماندگار شد.

● مهم‌ترین شاخصه‌ها، محاسن و معایب کتاب‌های درسی موجود را بیان کنید.

●● بنده کتاب‌های فارسی را از اول
ابتدایی تا دوازدهم بررسی کرده‌ام و چند
سالی هم می‌شود که در دبیرستان به
تدریس بعضی از آن‌ها مشغولم. به نظر
کتاب‌های دوره ابتدایی با قصد آموزش زبان
فارسی و ورود آرام آن‌ها به قلمرو ادبیات،
با دقت و ظرافت بیشتری تدوین شده‌اند.
کتاب‌های دوره متوسطه اول هم در ادامه
و مکمل آن‌هاست و روال و شیوه نسبتاً
خوبی دارند؛ البته نگاه بنده یک نگاه گذرا و
سریع است. حتماً نظرات همکاران بزرگوارم
در این دو مقطع دقیق‌تر و کارشناسانه‌تر
خواهد بود.

در مورد کتاب‌های دوره دوم متوسطه،
کتاب‌های نگارش با قصد آموزش مهارت
نوشتن، کتاب‌های نسبتاً خوبی هستند؛ به
شرطی که زمان کلاس‌های نگارش برای
کتاب فارسی صرف نشود. اگر بعضی مباحث
در کتاب‌های نگارش جابه‌جا می‌شود، بهتر
بود (مثلاً مقاله‌های تحقیقی از دوازدهم
به یازدهم منتقل می‌شود)، همین‌طور اگر
مباحث نگارشی، آموزش املا، زبان‌شناسی
و دستور نیز در این کتاب‌ها می‌آید،
مناسب‌تر بود.

در کتاب‌های فارسی، متن‌های انتخابی
عمدتاً همان متن‌های تکراری کتاب‌های
قبل هستند، بحث‌های دستوری در این
کتاب‌ها پراکنده و نامنظم است، نظم
منطقی در آموزش مباحث این کتاب‌ها
دیده نمی‌شود.

در خصوص کتاب‌های علوم و فنون
ادبی هم باید بگویم که فشرده‌گی مطالب
(سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات، آرایه‌های
ادبی، نقد و تحلیل و قافیه و عروض)، عملاً
آموزش و فراگیری این کتاب‌ها را برای
معلمان و دانش‌آموزان با مشکل جدی
همراه کرده است.

شیطان کلاس، به جای صندلی معلم، یک
نردبان چوبی دو طرفه‌ای را که نقاش‌های
ساختمان از آن استفاده می‌کنند، جایگزین
صندلی‌ام کرده بودند و منتظر واکنش من
بودند. من خیلی خونسرد از پله‌های نردبان
بالا رفتم و روی صفحه بالای آن نشستم.
کیفم را باز کردم و کتاب فارسی را درآوردم
و درس را با این بیت مولانا آغاز کردم:

نردبان خلق این ما و منی است
عاقبت این نردبان افتادنی است

و تمام نود دقیقه را از بالای نردبان تدریس
کردم. چند سال بعد یکی از دانش‌آموزان
همان کلاس که حالا مهندس کامپیوتر
شده و برای کارهای رایانه و سایت در
همان مدرسه استخدام شده بود، عکس
مرا بر بالای نردبان نشان داد! خیلی تعجب
کردم؛ گفتم دوربین مخفی و کلاس من؟!
خیلی معذرت‌خواهی کرد و اظهار داشت
که قصدشان دیدن نوع واکنش معلم‌های
مدرسه به آن نردبان بوده است و از این
صحبت‌ها. البته فراموش نشود که همان

علاقه‌مند می‌کنند. همچنین یادگیرندگان
را به لذت‌های ادبی رهنمون شده و
استعدادهای ادبی و هنری آن‌ها را شکوفا
می‌کنند و ضمن دعوت دانش‌آموزان به
تفکر درست، روح تحقیق را در آن‌ها زنده
می‌کنند و تخیل و احساس آن‌ها را پرواز
می‌دهند.

● چه روش‌های بدیعی در تدریس داشته‌اید؟

●● البته هر دبیری برای خودش متناسب
با نوع کلاس و مبحث، روشی را برای
آموزش انتخاب می‌کند. بنده در تدریس
عروض سال‌هاست از روش سماعی استفاده
می‌کنم، در آموزش دستور زبان انواع
جمله را از لحاظ اجزا با استفاده از گیف و
پویانمایی تدریس می‌کنم، در تاریخ ادبیات
و سبک‌شناسی از روش مقایسه سبک‌ها و
نمونه‌های خارج از کتاب با بچه‌ها به بحث
می‌نشینم؛ اما بعید می‌دانم این روش‌ها
روش بدیعی باشند؛ چون ممکن است

● نظر تان در مورد مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی چیست؟

● بسیار مجله خوبی است، سردبیر فرزانه و استادان گرانقدر هیئت تحریریه‌اش از سرمایه‌های بزرگ علمی و ادبی ما هستند و اینکه این مجله فرصت و امکان خوبی برای اظهار نظر همکاران است و بیشتر نظرات همکاران را در مورد بعضی از موضوعات کتاب‌های درسی مطرح می‌کند. این از امتیازات مثبت آن است ولی از لحاظ تنوع موضوعات (منظورم موضوعاتی غیر از کتاب‌های درسی است). اگر مثل سال‌های اولیه و شماره‌های چند سال پیش، تنوع موضوع داشته باشد جذاب‌تر می‌شود و از حالت یکنواختی خارج می‌شود.

● نمونه‌ای از کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را معرفی نمایید.

● باید عرض کنم، به قول خواجه حافظ: درویش را نباشد برگ سرای سلطان ماییم و کهنه دلقی کاتش در آن توان زد معمولاً پایان‌نامه‌های دانشگاهی برای هر همکاری از ارزش ویژه‌ای برخوردار است و بعد کتاب‌ها و مقالات. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد و چند اثر قلمی دیگر را پیشکش جامعه ادبی نموده‌ام که در زیر معرفی می‌شوند:

- تصحیح و تحشیه مثنوی‌های صادق‌بیک افشار (صادق‌کناب‌دار)، شاعر، نویسنده، خطاط و نقاش دوره شاه عباس صفوی با راهنمایی زنده‌یاد استاد جمشید مظاهری، در سال ۱۳۸۰؛

- «Seventh century Sufism and the School! of Ibn Arabi» «عرفان

قرن هفتم و مکتب ابن عربی»، ترجمه مقاله‌ای از استاد دکتر سیدحسین نصر؛

- «جادوی سجع، جادوی جناس»، مقاله چاپ شده؛

- «نون ساکن»، مقاله چاپ شده.

● الگوی شما در تدریس چه کسی بوده است؟

● بهتر است سؤالتان را اصلاح کنم؛ بفرمایید چه کسانی؟ بی‌هیچ اغراق، تمامی

معلمان و استادانم از آغاز تا امروز، همه همکاران بزرگواری که برای بازدید به کلاس درسشان رفته‌ام و از خرمن معرفت و تجربه‌هایشان خوشه‌ای چیده‌ام، همگی الگوهای من بوده‌اند برای هر درسی ترکیبی از شیوه‌های استادان دانشگاهی‌ام و معلمان دوران دبیرستانم، بر شیوه کار من تأثیرگذار بوده‌اند.

● آیا در طول دوران تدریس رویدادی بوده که بر روند تدریس شما تأثیر داشته باشد؟

● بله، یاد می‌آید که سال‌های اول خدمتم بود. در اوایل سال تحصیلی ۱۳۶۸، در یکی از شهرهای اطراف اصفهان کار می‌کردم. در هنگام تدریس به تمام بچه‌ها نگاه می‌کردم و هنوز هم این کار را می‌کنم. سمت چپ کلاس، نفر وسط، روی نیمکت سه‌نفره ردیف دوم، پسری با کاپشن

اسامی بچه‌ها را به خاطر نسپرده بودم. به‌طور اتفاقی از روی دفتر کلاسی برای خواندن انشا (خاطره‌نویسی) صدایش کردم. دفترش را برداشت و آمد کنار میز شروع کرد به خواندن. انشایش را با طنز آغاز کرده بود و این‌طور شروع می‌شد که بعد از امتحان خرداد سال گذشته بنا بوده به خانه دوستش برای بازی پینگ‌پنگ بروند و ...

هر جمله‌ای را که می‌خواند بچه‌ها می‌خندیدند. در حین بازی در گیم سوم ناگهان صدای مهبی و ...

به اینجا که رسید، دفترش را روی چهره‌اش گذاشت و دیگر نخواند. کلاس در سکوت فرو رفته بود. دفترش را گرفتم، چشمانش خیس اشک بود، دنباله‌اش را خواندم: «پدرم زیر آوار ...»

تا آخر زنگ دست‌هایم را از روی صورتم برداشتم؛ تمام کلاس می‌گریست ...

● به نظر شما ادبیات را چگونه باید تدریس کرد تا کلاس جذاب‌تر و تأثیرگذارتر باشد؟

● چگونگی تدریس هر درس به محتوای آن درس بستگی دارد. یک وقت شما یک متن فارسی را تدریس می‌کنید که درون‌مایه درس حماسی است. شما می‌توانید برای آن روز صحنه کلاس را با آوردن اشیایی، به میدان جنگ تبدیل کنید. اگر محتوا غنایی باشد، دانش‌آموزان باید نسیم خنک سایه‌های سرو و بید را احساس کنند. از صدا و فیلم و موسیقی و صحنه‌پردازی و ... متناسب با موضوع باید بهره گرفت. به نظر من تمام درس‌ها سناریوهایی هستند که با معلمان کارگردان به زیبایی باید اجرا شوند. در دروس تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی شیوه بحث گروهی را دوست دارم و بعد طبقه‌بندی و مقایسه. در عروض بعد از مقدمات و طبقه‌بندی مطالب، روش موسیقایی (سماعی) را می‌پسندم.

● در پایان از تمامی استادان و عوامل گرانقدر دست‌اندرکار در مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی بابت تلاش‌هایشان در پیشبرد آموزش زبان و ادب فارسی کمال تشکر را دارم.

در خصوص کتاب‌های علوم و فنون ادبی هم باید بگویم که فشرده‌گی مطالب (سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات، آرایه‌های ادبی، نقد و تحلیل و قافیه و عروض)، عملاً آموزش و فراگیری این کتاب‌ها را برای معلمان و دانش‌آموزان با مشکل جدی همراه کرده است

عنایب رنگ نشسته بود که وسط آستین دست چپش یک پارگی به اندازه یک سکه دوتومانی به چشم می‌خورد. این منظره در هفته بعد که زنگ نگارش و انشا بود، بدون تغییر چشم و روح را آزار می‌داد. در دل‌م چند بار گفتم خوب است بعد از کلاس صدایش کنم و نصیحت و ... هنوز